



پکن چگونه با عمل گرایی

نظام بین الملل آمریکایی را پشت سر گذاشته است؟

عبور از شطرنج غربی

تحلیل

علیرضا محمدی

گروه بین الملل

هنری کیسینجر، وزیر خارجه اسبق آمریکا، در کتاب خود تحت عنوان «چین»، سیاست خارجی پکن را به بازی سنتی چینی «وی چی (Go)» تشبیه می کند و آن را در نقطه مقابل سیاست خارجی غرب که مبتنی بر منطق «شطرنج» است، قرار می دهد. کیسینجر معتقد است چینی ها برخلاف بازیکنان شطرنج- که به دنبال زدن مهره ها و کیش و مات قطعی حریف هستند- به دنبال گسترش نسبی حوزه های عمل و محاصره نامحسوس رقباي خود هستند.

اخیراً سینمای چین فیلمی با عنوان «به رستوران زده ها خوش آمدید» اکران کرده که داستان آن مربوط به زمان حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و شرایط سخت مردم این کشور است. شخصیت اصلی فیلم، یک سرآشپز چینی است که در منطقه ای از بغداد رستورانی را اداره می کند. او فارغ از هیاهوی سیاست، به دنبال رونق کسب و کار خود است و همزمان از کودتایی که به واسطه جنگ خانواده خود را از دست داده اند، حمایت می کند. نشریه اکونومیست در واکنش به این فیلم، آن را شاوده ای از سیاست خارجی چین در جهان معرفی و آن را اصطلاح «دیپلماسی رستوران زده ها» توصیف کرد.

عمل گرایی، نه اجبار

این ماجرا دوباره پای بحث های قدیمی درباره نحوه ظهور چین در سیاست بین الملل و آینده پژوهی رفتار این کشور را بعد از قدرت گرفتن در نظام بین الملل میان کارشناسان باز کرده است. اگرچه دیدگاه های تقریباً رئالیستی نظیر گراهام الیسون، نحوه ظهور چین و پشت سر گذاشتن ایالات متحده را با ادبانی نظیر «لکه توسیديد» توصیف و

صورت بندی کردند که احتمال تقابل نظامی را بالا می بینند، اما نظریاتی هم وجود دارند که خیزش چین را با ابزاری غیر از مداخله و اجبار به سبک غربی مفصل بندی می کنند. آخرین هفته، ایالات متحده میزبان شی چین پینگ، رئیس جمهوری چین خواهد بود. این سفر در حالی صورت می گیرد که پکن در فضای عدم قطعیت و بی اعتمادی فزاینده به غرب در روابط بین الملل، به دنبال گسترش حضور و افزایش شراکت راهبردی با کشورهای «جنوب جهانی» است. چین برخلاف غرب که به دنبال تحمیل ارزش های خود به دیگر کشورهاست، با استراتژی عمل گرایانه و تمرکز بر توسعه اقتصادی، در حال تغییر بی سروصداي نظم بین المللی در قالب «اکثریت جهانی» است. در همین فضاست که روزنامه گلوبال تایمز چین اخیراً در مقاله ای نوشت: «جهان مدت ها است از اخلاق پردازی غربی ها خسته شده است. جهان به داوران والا مقام ارزش ها نیازی ندارد. آنچه امروز به آن نیاز داریم، توانایی عملی برای انجام کارهاست.»

پکن در سال های اخیر تلاش کرده به جای الگوبرداری از دیپلماسی ارزشی و ایدئولوژیک غرب- که برقراری ارتباط و شراکت را مشروط به پذیرش اصول غربی و به تبع آن مداخله در امور داخلی کشورها می کند- مسیری عمل گرایانه تر را در پیش بگیرد. چین با گنجاندن اصل «پذیرش» در سیاست خارجی خود، به دنبال گسترش همکاری ها در زمینه های اقتصادی و توسعه ای (به جای تمرکز صرف بر مسائل امنیتی و سیاسی) است. این سیاست، با توجه به فضای بی اعتمادی ناشی از رویکردهای ناپایدار غرب در سال های اخیر، جذابیتی را در کشورهای جنوب جهانی ایجاد کرده و گزینه پکن را به عنوان اولویت جایگزین و نماد چندجانبه گرایی، روی میز تصمیم گیران این کشورها قرار داده است.

چین همچنین تأکید ویژه ای بر نقش سازمان ها و نهاد های بین المللی در پیشبرد اهداف صلح و توسعه دارد. حضور رئیس جمهوری چین در اجلاس های سازمان مستمر با رهبران کشورهای عضو، نشان از جهت گیری دیپلماسی پکن در راستای همکاری با جنوب جهانی دارد. در همین رابطه، رایان هاس، دیپلمات سابق آمریکایی و عضو اندیشکده بروکینگز می گوید: «چین می خواهد نظم سیاسی بین المللی را مطابق میل خود تغییر دهد و استراتژی اصلی آن، جلب حمایت اکثریت جهانی کشورهاست.» خود شی چین پینگ نیز بارها از ساختار فعلی سازمان ملل انتقاد کرده و خواستار اصلاح رویه ها برای دستیابی به اهداف واقعی شده است.

طلوع چینی

نظرسنجی نشریه پولیتیکو که در ماه فوریه ۲۰۲۶ (بهمن ۱۴۰۴) منتشر شده، نشان می دهد مردم در چهار کشور کانادا، آلمان، انگلستان و فرانسه در بحبوحه کاهش بی اعتمادی به ایالات متحده به عنوان رهبری جهانی، چین را به عنوان گزینه ای مطمئن تر می دانند. همچنین گزارش مرکز نظرسنجی پیو نشان می دهد اکثریت مردم جهان، چین را شریک قابل اعتمادتری از آمریکا می دانند. پکن نیز از این شرایط استفاده کرده و در برهه ای که واشنگتن با تصمیمات یک جانبه و نامنظم، پیش بینی پذیری در روابط بین الملل را مخدوش می کند، به دنبال ترویج ثبات و همکاری های متقابل با کشورهای مختلف است.

اما با این حال برخی از کارشناسان معتقدند چین به دنبال جایگزینی خود با ایالات متحده به عنوان هژمون جهانی نیست. پاتریشیا کیم، پژوهشگر مسائل چین در مؤسسه بروکینگز، معتقد است استراتژی چین بر خلاف آنچه در غرب تصور می شود، به سمت تبدیل شدن به هژمون و پذیرش مسئولیت های آن نیست. کیم اعتقاد دارد این استراتژی که ریشه در فرهنگ سیاسی و استراتژیک چین دارد، این امکان را به پکن می دهد تا بدون قبول کردن مسئولیت ها و

هزینه های هژمون بودن، با انعطاف پذیری بیشتری دست به ایجاد اتحاد و ائتلاف بزند. استدلال پکن این است که سیاست های رقابتی و تقابلی آمریکا بازتاب ذهنیت جنگ سردی حاکم بر تصمیم گیران واشنگتن است و نباید با نگاه اکثریت جهانی یکسان تلقی شود.

نمونه بارز این رویکرد را می توان در سفر اخیر شی به مصر در بحبوحه تحولات خاورمیانه مشاهده کرد. این سفر نشان دهنده عزم پکن برای تعمیق روابط با شرکای منطقه ای، شده میان خاورمیانه و ایالات متحده (به ویژه از دوره ریاست دونالد ترامپ) است. شی در این سفر، علاوه بر تأکید بر گسترش روابط اقتصادی با آفریقا، با ارائه پیشنهادی چهار ماده ای برای آینده نظم و ثبات خاورمیانه، آمادگی کشورش را برای ایفای نقش در راستای صلح و آرامش اعلام کرد. پیشنهاد شی که شامل خودتاکایی منطقه ای برای حفظ امنیت، تقویت پایه های ثبات از طریق توسعه منطقه ای و هماهنگی های بین المللی می باشد، رویکرد پکن را به مسائل و راه حل برون رفت از بحران های این منطقه نشان می دهد. علاوه بر این، پکن با اجرای سیاست حذف تعرفه های تجاری برای کشورهای آفریقایی، بازار بزرگی را در اختیار تولیدکنندگان این قاره قرار داده است. فراتر از کاهش تعرفه ها، ایجاد کانال های سبز

و تسهیل تجارت، سطح تبادلات با آفریقا را بشدت افزایش داده است. این دست اقدامات، از یک سو به توسعه اقتصادی آفریقا کمک کرده و از سوی دیگر، جایگاه چین را در ساختار سیاست خارجی این کشورها تثبیت می کند. تقارن این سیاست با رویکرد ایالات متحده مبنی بر افزایش تعرفه های تجاری و کاهش فعالیت های بشردوستانه نهادهایی نظیر USAID در آفریقا، باعث شده چین به عنوان گزینه ای جذاب تر و قابل اعتمادتر در این قاره مطرح شود. نشریه آسیاتایمز در گزارش خود مدعی است جنگ های تجاری ترامپ، نفوذ چین را در جهان آسان تر می کند. این مقاله که در اول سپتامبر منتشر شده، اظهار کرده در حالی که ترامپ از افزایش تعرفه ها به عنوان اهرم فشار بر کشورهای استفاده می کند، چین در حال فروش دسترسی به جهان است. سفر مارک کارنی، نخست وزیر کانادا به چین که اولین سفر یک نخست وزیر پس از نزدیک به یک دهه بود، نمونه بارزی از نفوذ چین حتی در میان شرکای راهبردی واشنگتن است. در شرایطی که مذاکرات تجاری اتاوا واشنگتن بر سر تعرفه های تجاری دونالد ترامپ با شکست مواجه شده، این «وانگ بی»، وزیر خارجه چین بود که اعلام کرد کشورش مشتاقانه منتظر همکاری با کانادا برای پیشبرد مشترک مشارکت استراتژیک جدید چین و کانادا است.



چین برخلاف غرب که به دنبال تحمیل ارزش های خود به دیگر کشورهاست، با استراتژی عمل گرایانه و تمرکز بر توسعه اقتصادی، در حال تغییر بی سروصداي نظم بین المللی در قالب «اکثریت جهانی» است

چین برخلاف غرب که به دنبال تحمیل ارزش های خود به دیگر کشورهاست، با استراتژی عمل گرایانه و تمرکز بر توسعه اقتصادی، در حال تغییر بی سروصداي نظم بین المللی در قالب «اکثریت جهانی» است

چین برخلاف غرب که به دنبال تحمیل ارزش های خود به دیگر کشورهاست، با استراتژی عمل گرایانه و تمرکز بر توسعه اقتصادی، در حال تغییر بی سروصداي نظم بین المللی در قالب «اکثریت جهانی» است

چین برخلاف غرب که به دنبال تحمیل ارزش های خود به دیگر کشورهاست، با استراتژی عمل گرایانه و تمرکز بر توسعه اقتصادی، در حال تغییر بی سروصداي نظم بین المللی در قالب «اکثریت جهانی» است



خدمات ارتباطی یکپارچه

بازارهای همراه اول کسب و کار

business.mci.ir

همراه اول
mci Mobile Communications of Iran

الگوی «جغرافیایی رأی» در اسرائیل

بدون روتوش



محمد محسن فایضی

کارشناس مسائل فلسطین

نتانیاهو محسوب می شوند. حضور قابل توجه یهودیان میزراحی، مهاجران شوروی سابق، طبقه متوسط و پایین تر و اهمیت مسائل امنیتی، از ویژگی های اجتماعی این مناطق است. در کنار لیکود، اسرائیل بیتنا و شاس نیز در این شهرها آرای قابل توجهی دارند. برشبع نیز با توجه به موقعیت جغرافیایی، حضور جمعیت روس زبان و اهمیت مسائل امنیتی، از پایگاه های مهم لیکود و اسرائیل بیتنا به شمار می رود.

شهرک های کرانه باختری؛ راست مذهبی و ملی گرا

در شهرک های اسرائیلی کرانه باختری، رأی به احزاب راست مذهبی و ملی گرا برجسته است. صهیونیسم مذهبی به رهبری اسموتریچ، قدرت یهودی به رهبری بن گویبر و لیکود از نیروهای اصلی این مناطق هستند. میزان مشارکت انتخاباتی نیز در بسیاری از این شهرک ها بالاست.

شهرهای حریدی؛ رأیی ایدئولوژیک و منسجم

در شهرهایی مانند بنی براک و بیتار، الگوی رأی دهی بیش از بسیاری از مناطق دیگر تحت تأثیر هویت مذهبی قرار دارد. شاس و یهودوت هتوراه احزاب اصلی این مناطق هستند و در برخی شهرهای حریدی، مجموع آرای این دو حزب به بیش از ۹۰ درصد می رسد.

شهرهای عربی؛ جامعه ای با گرایش های متنوع

در شهرهایی مانند ام الفحم، ناصره و سخنین، احزاب عربی بخش مهمی از آرای انتخاباتی را به خود اختصاص می دهند؛ با این حال، جامعه عرب در اسرائیل یکدست نیست. دروزی ها در مقایسه با دیگر گروه های عربی گرایش بیشتری به احزاب صهیونیستی دارند و بخشی از عرب های محافظه کار نیز به احزاب یهودی، از جمله لیکود، رأی می دهند. البته عرب های مسلمان بالای ۹۵ درصد به لیست های عربی رأی می دهند. میزان مشارکت انتخاباتی در میان عرب های اسرائیل نیز معمولاً پایین تر از جمعیت یهودی است.

روس زبان ها؛ یک بلوک مهم انتخاباتی

روس زبان ها نیز یکی از بلوک های مهم رأی در اسرائیل هستند. اشدود، حيفا، برشرع و نتانیا از مراکز اصلی حضور این جمعیت به شمار می روند. اسرائیلی خانه ما به رهبری اویگدور لیبرمن، که مواضعی سکولار دارد و با افزایش نفوذ احزاب حریدی مخالفت می کند، سال ها یکی از احزاب اصلی در میان این طیف بوده است. در نهایت می توان نتیجه گرفت جغرافیای انتخاباتی اسرائیل صرفاً به دوگانه چپ و راست محدود نمی شود؛ بلکه مذهب، قومیت، مهاجرت، طبقه اجتماعی، محل سکونت و نگاه به مسائل امنیتی، همگی در شکل گیری سبد رأی مناطق مختلف این رژیم نقش دارند.

حيفا؛ شهر دانشگاه و سابقه کارگری

حيفا در کنار تل آویو از مهم ترین پایگاه های رأی جریان های چپ در اسرائیل به شمار می رود. حضور دانشجویان مذهبی و عرب ها سه گروه عمده متنوع و جمعیت یهودی و عرب، فضای سیاسی متفاوتی نسبت به بسیاری از شهرهای دیگر ایجاد کرده است. دموکرات ها، جریان ضد راستگرایی و فهرست های عربی در این شهر از پایگاه رأی قابل توجهی برخوردارند.

جنوب؛ پایگاه های مهم لیکود

اشدود و اشکلون از مراکز مهم رأی لیکود و از پایگاه های انتخاباتی بنیامین